

پسنا-هات ٤٦

بند یکم

وسه.	هتیه.	وکاسه.	هتیه.	مدرسه.	مدرسه.
ayenī	nəmōi	kuṽrā	zaṃ	nəmōi	kām
هتیه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.
dadaitī	airyamanascā	x ^v aētəuš	pairī		
هتیه.	هتیه.	هتیه.	هتیه.	هتیه.	هتیه.
hēcā	wərəzēnā	yā	xšnāuš	mā	nōiṭ
مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.
sāstārō	yōi	dahyəuš	naēdā		
مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.
mazdā	ṽβā	kaṽā	drəgwantō		
	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.	مدرسه.
	ahurā	xšnaošāi			

رو به رو شدن اشو زرتشت با دشمنی بدانیشان

**پروردگارا- به کدام خاک روی آورم؟ به کجا رفته پناه
جویم؟ دشمنانم مرا از دوستان و بستگان جدا کرده اند و آنان
از من کناره می جویند. از بزرگان و فرمانروایان نادرست نیز
خشنود نیستم و با این وضع چگونه می توانم در راه خدمت به
تو ای اهورامزدا کامیاب شوم و آیین پاکت را گسترش دهم؟**

پند دوم

انا‌ئ‌ش‌و	مازد‌ا	اهم‌ی	یا	تا‌ت	وا‌ئ‌د‌ا
anaēšō	mazdā	ahmī	yā	taṭ	waēdā
اهم‌ی	کامن‌ان‌ا	هیا‌ت‌کا	کامن‌اف‌ش‌وا	ما	
ahmī	kamnānā	hyaṭcā	kamnaṣwā	mā	
اهورا	اوا‌ئ‌ن‌ا	ا‌ئ‌ت	ت‌و‌ی	گ‌ر‌ز‌و‌ی	
ahurā	awaēnā	ā-īṭ	tōi	gərəzōi	
ف‌ری‌ای	ف‌ری‌و	هیا‌ت	کا‌گ‌وا	راف‌ئ‌در‌م	
fryāi	fryō	hyaṭ	cagwā	rafəðrēm	
	وان‌ه‌ش	ا‌ک‌س‌و	د‌ای‌ت		
	waṅhəuš	āxsō	daidīṭ		
	مان‌ان‌ه‌و	ا‌ش‌ت‌م	ا‌ش‌ا		
	manaṅhō	ištīm	ašā		

دارایی مادی و معنوی، هر دو در راه درست زیستن لازم است.

ای مزدا- می دانم چرا کاری از پیش نمی برم. چون دارایم اندک و یارانم کم اند- ای اهورا نظری به من افکن و چنان که دوستی به دوست خود یاری و دلداری دهد. مرا نیروی درونی و آرامش خاطر بخش و از پاداش نیک منشی ات مرا خاطر جمع ساز.

پند سوم

اسنام	uxšānō	yōi	mazdā	kadā
frārəntē	ašahyā	frō	darəθrāi	aṅhōuš
xratawō	saošyāntam	sēnghāiš	wərəzdāiš	
manāṅhā	jimaṭ	wohū	ūθāi	kaēibyō
	sāstrāi	θβā	maibyō	
	ahurā	wərənē		

دنباله درفواست اشو زرتشت

ای مزدا- سپیده دم امید. کی به در آید و مردم چه وقت به سوی راستی روی آورند و دستور نجات دهنده خود را پیروی خواهند کرد؟ کی پیامبر تو با گفتار سود بخش خود در رستگاری روان مردم کامیاب می شود؟ ای اهورا فرشته نیک منشی را به یاری آنان فرست و مرا در انجام این وظیفه بزرگ کامروا گردان.

پند چهارم

مځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .
 waždrēṅ ašahyā yēṅ drēgwā tēṅ aṭ
 مځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .
 dahyēuš wā šōiṭrahyā frōretōiš gā pāṭ
 ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .
 šyaoṭanāiš x^waiš haṣ dužazōbā wā
 مځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .
 mōiṭaṭ mazdā xšaṭraṭ yastēm ahēmustō
 ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .
 frō-gā tēṅ hwō wā jyātēuš
 مځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم . ځم ځم .
 carāṭ hucistōiš paṭmēṅ

ایستادگی در برابر بدی و وظیفه دینی همه ماست

**پیروان دروغ نمی خواهند مردم به سوی راستی روند و می
 کوشند تا آنان را از پیشرفت در زندگی و آبادانی شهر و
 روستای خود بازدارند. چنین کسانی کردارشان زشت و ویران
 گر است. بی گمان کسانی که با تمام نیروی مادی و معنوی به
 دشمنی با آنان برخیزند. به راه راست و درست و آیین نیک
 اهورایی گام می نهند.**

بنت پنجم

.مردم ayan̄təm	وایستد dritā	دروغ adaṣ	مردان xšayaṣ	و wā	ی yē
.مردان را ایستد. مردان را دروغ. مردان را دروغ.					
wā	miθrōibyō	huzəntuṣ	wā	urwātōiš	
.مردان را ایستد. مردان را دروغ. مردان را دروغ.					
drəgwan̄təm	aṣawā	yē	jwaṣ	raṣnā	
.مردان را ایستد. مردان را دروغ. مردان را دروغ.					
x ^w aētawē	frō	taṭ	haṣ	wicirō	
.مردان را ایستد. مردان را دروغ. مردان را دروغ.					
mazdā	īm	uzūiθyōi	mruyāt		
.مردان را ایستد. مردان را دروغ. مردان را دروغ.					
ahurā		xrūnyāt			

ارشاد و رهبری بدکاران بر همه بایسته است

هرگاه یکی از پیروان راستی، دروغ پرست بدکاری را به راه راست رهبری کند و به آیین اهورایی درآورد، بر اوست که به دیگر هم کیشان آگهی دهد تا آنان چنین کسی را از آزار بد اندیشان نگهداری کنند و یار و یاور او باشند. این است خواست و دستور اهورامزدا.

پنجم ششم

.س	.س	.س	.س	.س	.س
āyāt	isəmnō	nā	nōit	yastēm	aṭ
.س	.س	.س	.س	.س	.س
gāt	haēvāhyā	dāman	hwō	drūjō	.س
.س	.س	.س	.س	.س	.س
wahištō	drəgwāitē	yē	drəgwā	zī	hwō
.س	.س	.س	.س	.س	.س
fryō	ašawā	yahmāi	ašawā	hwō	.س
.س	.س	.س	.س	.س	.س
paouruyā	daēnā	hyaṭ	.س	.س	.س
.س	.س	.س	.س	.س	.س
ahurā	dā	.س	.س	.س	.س

کسی که همراهان و نادانان را به راه راست رهبری نکند گناه کار است

ولی هرگاه شخص دانا و توانایی به یاری او برنخاست. خود از گروه بد کاران به شمار است. چه بدکار کسی است که بدکاری را یاری دهد و نیکوکار آن که نیکان را یار و یاور باشد. چنین است آیین و خواست اهورا از آغاز هستی.

پنجم

و-اسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.
dadāt	pāyūm	mawaitē	mazdā	kēm-nā
سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.
aēnaḡhē	dīdarəṣatā	drəḡwā	mā	hyaṭ
سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.
manarḡhascā	āṭrascā	ṭṭahmāt	anyēm	
سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	
ṭraoštā	aṣəm	šyaoṭanāiš	yayā	
	دسوسد.	دسوسد.	دسوسد.	
	dəṣtwam	mōi	tam	ahurā
	سدوسد.	سدوسد.	سدوسد.	
	frāwaocā	daēnayāi		

پیمودن راه درست آیین زندگی باید با یاری خروغ ایمان و منش پاک هر دو باشد

**ای مردم- هنگامی که دروغ پرست و گمراهی در پی آزار و
گزند ما برخیزد. به جز فروغ ایمان و اندیشه پاک چه چیز
دیگر می تواند برابر قانون جاودانی مزدا ما را پشت و پناه
باشد. ای اهورامزدا همه ما را از فرمان و دستور مقدس خود
آگاه فرما.**

بند هشتم

وَسْمُ.	وَأَسَدُ.	عَلَىٰ ذَا.	وَسَمِ.	عَلَىٰ ذَا.	وَسْمُ.	وَسْمُ.
aēnaḡhē	dazdē	gaēṭā	yā	mōi	wā	yē
وَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ.						
	šyaoṭanāiš	āḍriš	ahyā-mā	nōiṭ		
وَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ.						
jasōiṭ	ahmāi	tā	paityaogēṭ	frōsyāt		
وَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ.						
hujyātōiš	īm	yā	ā	tanwēm	dwaēšaḡhā	
وَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ.						
kāciṭ	dužyātōiš	nōiṭ	pāyāt			
وَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ. مَسْمُ.						
				dwaēšaḡhā	mazdā	

بدی به بدکاران برمی گردد

کسی که در پی تباهی دیگران بر می آید. مبادا از کردار بدش آسیبی به دیگران رسد و بشود که بدی و آزار او به خودش برگردد. چه برابر قانون تو ای مزدا خوشی و خوش بختی از بدکاران و آزار رسانندگان دور خواهد ماند.

پند دهم

	وَسْرَ .	وَاسِدَ .	عَاجِدَ .	نَسِدَ .	عَاسِدَ .	وَسْرَ .	وَسْرَ .
	ahurā	mazdā	wā	genā	nā	mōi	wā yē
	وَسْرَ دَسْرَ .	مَدْرَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَسْرَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَسْرَ دَسْرَ .	وَسْرَ دَسْرَ .
	wahištā	wōistā	yā-tū	aṅhēuš	dāyāt		
	مَدْرَ دَسْرَ .	مَدْرَ دَسْرَ .	مَدْرَ دَسْرَ .	مَدْرَ دَسْرَ .	مَدْرَ دَسْرَ .	مَدْرَ دَسْرَ .	مَدْرَ دَسْرَ .
	manañhā	xšaṭrēm	wohū	ašāi	ašīm		
	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .
	ā	wahmāi	xšmāwatəm	haxšāi	yascā		
		وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .		
		cinwatō	wīspāiš	frō-tāiš			
		وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .	وَاسِدَ دَسْرَ .		
		pəretūm	frafrā				

پل پینود یعنی پل گزینش نیکان از بدان و آزمایش کردار مردمان یا پل ته‌پین کردن می‌دانم ای مزداهورا که هر مرد و زنی که برابر آموزش و آیین تو در سراسر زندگی کاری را که بهتر از همه است به جای آورد. به پاداش آن. آن بخشش پاک منشی به او ارزانی خواهی داشت و او را به آسانی از پل چینود خواهی گذارند.

بند یازدهم

کایس	سور	سور	سور	سور	سور
akāiš	šyaodanāiš	ahūm	karapanō	yūjēn	kāwayascā
سور	سور	سور	سور	سور	سور
mašim	yēng	x ^w ə	urwā	x ^w aēcā	xraodaṭ
سور	سور	سور	سور	سور	سور
daēnā	hyaṭ	aibī-gemən	yaṭrā	cinwatō	
سور	سور	سور	سور	سور	سور
pəretuš	yawōi	wīspāi	drūjō		
سور	سور	سور	سور	سور	سور
dəmanāi	astayō				

دوزخ پایگاه دروغ پرستان است

کوی ها و کرپان ها و گروه دیگر مردم فریبان. همه را به سوی کردار زشت فرا می خوانند تا زندگی دو جهانی آنان را تباه سازند. ولی روان و وجدان آنان هنگامی که به سر پل چینود رسد در بیم و هراس افتد و تا زمانی دراز گرفتار دوزخ خواهد شد.

پنت دوازدهم

ناسد دس nafšucā	ناسد دس دس دس naptyaēšū	دس ašā	دس us	دس hyaṭ
ناسد دس دس دس aojyaēšū	ناسد دس دس دس fryānahyā	دس uzjēn	ناسد دس دس tūrahya	
ناسد دس دس دس ʔbaxšaṅhā	ناسد frādō	ناسد gaēʔā	ناسد دس ārmatōiš	
ناسد aibī-mōist	ناسد hēm	ناسد wohū	ناسد iš	ناسد aṭ
ناسد دس دس دس دس rafəðrāi				
ناسد دس دس aēibyō		ناسد دس manəṅhā		
ناسد ahurō	ناسد sastē	ناسد mazdā		

پيروان دين مزدیسني از هر گروه و نژادی که باشند رستگار خواهند شد

هنگامی که فرزندان و نیرگان فریان تورانی راستی را دریافتند و به یاری ایمان پاک و شجاعت درونی خود دین نیک را پذیرفتند و منش نیک آنان را وادار ساخت تا به کشور جاودانی و دین مزدآپرستی روی آورند. بی گمان در روز واپسین رستگار خواهند شد.

پند سپردانم

رَدانِه		زَرادُوشْتَرَم		سپِتامَم		يَه	
rādanhā	zaraϕuštrēm	spitāmēm	yē				
فَراسرُيدَيَا		هَووَنَا		خَشَنَوش		مَرَتَايَه	
fərasrūidyāi	hwō-nā	xšnāuš	marətaēšū				
دَادَات		اَهُم		مَزْدَا		هَوِي	
dadāt	ahūm	mazdā	hōi	at	ərəδβō		
فَرادَات		وَهُو		گَايَه		اَهْمَاي	
frādaϕ	wohū	gaēϕā	ahmāi	ahurō			
		اَشَا		وَه		تَم	
		ašā	wē	tēm	manaϕhā		
		هُشَخَايَم		مَهْمَايَدِي			
		hušhaxāim	mēhmaidī				

پذیرختگان دین از هر جَره‌هی تَه باشند مفرمند

از میان مردمان کسی که با فرمان برداری خویش سپنتمان
 زرشت را خشنود سازد. سزاوار هر گونه احترام است. به چنین
 کسی مزدا اهورا بهترین زندگی بخشد و منش نیک او را
 سزاوار فردوس برین گرداند. ما چنین کسانی را یار و یاور
 راستی خواهیم شناخت.

پند چهاردهم

زدا سوادا سدا سدا . و سدا سدا . سدا سدا سدا . و او سدا سدا .
 urwaṭō ašawā kastē zaraṭuštrā
 سدا سدا سدا . و سدا سدا . و سدا . و سدا سدا سدا سدا . و سدا سدا سدا .
 waštī ferasrūidyāi wā kē magāi mazōi
 سدا . سدا سدا سدا . و سدا سدا . و سدا سدا سدا سدا .
 yāhī wīštāspō kawā hwō aṭ
 سدا سدا سدا سدا سدا . سدا سدا سدا . سدا سدا سدا سدا . سدا سدا سدا .
 ahurā minaš hadəmōi mazdā yēngstū
 سدا سدا سدا . سدا سدا سدا . و سدا سدا سدا سدا .
 waṅhōuš zbayā tēng
 سدا سدا سدا سدا . و سدا سدا سدا سدا .
 manaṅhō uxδāiš

گشتاسب کیانی در گسترش دین اهورایی کوشش کرد

به راستی یکی از این یاوران شاه دلیر گشتاسب کیانی است. کسی که دوست و هواخواه راستی بوده و در گسترش دین بهی و بزرگداشت انجمن برادری (مغان) کوشش کرده است. بشود که اهورامزدا چنین کسانی را شایسته رسیدن به بارگاه خود گرداند و در سرای فردوس جای دهد.

بند پانزدهم

سوسرمدی-مددوسد. واسدویسردسد. وای. ددوسدوسدوسد.

spitamāṅhō wō waxšyā haēcaṭ-aspā

سوسدوسد. وسدویسرد. واسدوسدوسد. دوسدویسردوسد.

adāvaścā wīcayavā dāvōṅg hyaṭ

سوسدوسد. سوسدوسد. سوسدوسدوسدوسدوسد.

šyaoṽanāiš yūš tāiš

سوسدوسد. وسدویسردوسد. وسدویسردوسد.

daduyē xšmaibyā aṣəm

سوسدوسد. وسدوسدوسد.

dātāiš yāiš

سوسدوسدوسدوسد. سوسدوسدوسدوسد.

ahurahyā paouruyāiš

دین مزدیسنی راه نیک و بد زندگی را به شما فواید شناساند

ای هچدسب و اسپنتمان و ای مردمان جهان آگاهتان سازم.
هرگاه بخواهید نیک را از بد و دوست را از دشمن تمییز دهید.
باید بکوشید تا برابر آیین اهورامزدا و قانون جاودانی او رفتار
کنید. زیرا تنها در پرتو اش می توان به حق و راستی زندگی
پی برد.

پند هفتم

سرمو (س) . و . مدهسوس . دد سوسوس .				
sēnghanī	afšmānī	wē	yaṯrā	
و . مدهسوس . و سوسوسوس . سوسوسوس - و .				
hwō-gwā	dējāmāspā	anafšmaṃ	nōiṭ	
سوسوس . و سوسوس . و سوسوسوس . و سوسوسوس .				
rādaṇhō	sēraoṣā	wahmēṅ	wēstā	hadā
س . و سوسوسوس . و سوسوسوس . و سوسوسوسوس .				
adāṯemcā	dāṯemcā	wīcinaoṭ	yē	
و سوسوسوس (س) . و سوسوسوس .				
maṇtū		daṅgrā		
سوسوسوس . و سوسوسوس . و سوسوسوسوس .				
ahurō	mazdā	aṣā		

با پیروی از ندای وجدان می توان به راه راست گام نهاد

ای جاماسب دانا از خانواده هوگوه- اینک که تو از کارهای
روا و ناروا آگاه شدی و به ندایی که از درونت برخاسته است
گوش فرا دادی و به پیروی و ستایش دین پرداختی. همیشه
راستی (اشا یا ندای وجدان) را مشاور خود قرار ده و بی گمان
بدان که اهورامزدا از همه چیز آگاه است و درست را از
نادرست به خوبی باز شناسد.

بند هجدهم

وَسْمَعُ	وَمَدْرَدَسِدْ	وَسْمَدَكُنْ	مَدْعَسَدْ	مَدَدْرِبْ	وَأَمْرُ
wahištā	ascīt	ahmāi	yaoš	maibyā	yē
وَمَدْرَدَسِمْ	رَدْمَدَكُنْ	وَأَلْمَدْ	مَدْرَدَسِمْ	وَمَدْرَدَسِمْ	وَمَدْرَدَسِمْ
manarhā	cōiṣem	wohū	ištōiš	mahyā	
مَدْرَدَسِمْ	مَدْعَسَدْ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ
daidītā	aštāi	nā	yē	ahmāi	aštōng
مَدْرَدَسِمْ	مَدْرَدَسِمْ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ
xšnaoṣəmno	wārem	xšmākəm	ašā	mazdā	
	مَدْرَدَسِمْ	مَدْرَدَسِمْ	مَدْرَدَسِمْ	مَدْرَدَسِمْ	مَدْرَدَسِمْ
	xratəuš	mōi	taṭ		
	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ	وَسْمَعُ
	wīciṭəm	manarhascā			

با دوستان خود دوست و با دشمنان بد باشید

کسی که به راستی با من دوست باشد. من نیز او را به بهترین چیزی که دارم بشارت می دهم. ولی کسی که با من دشمن باشد. من نیز دشمن او خواهم بود. این است خواست مزدا و اشا و این است تصمیم من از روی خرد و هوش.

پنت نوزدهم

س-ع-ژ-د . مدیعی سچ . سن مدوق به . سن مدس . وادایعی مدس .

warešaitī hacā haiθīm ašāt yē-mōi

س مدایعی مدس . سن مدس . واد مدس . وادایعی مدس .

ferašōtēməm wasnā hyaṭ zaraθuštrāi

مد سن . مد مدس . سن مدس . سن مدس .

parāhūm hanəṇtē mīždəm ahmāi

مد-ع-ژ-د . واد مدس . مدس . واد مدس . واد مدس . مدیعی .

azī gāwā wīspāiš maṭ manō-wistāiš

مد مدس . مدس . مدس . مدس .

twēm səs mōi tācīt

مدس . واد مدس .

waēdištō mazdā

پیروی از خرمان فدا فوشبختی آدمیان در هر دو جهان است

کسی که آموزش های مرا به بهترین وجه برابر آیین مقدس به جای آورد. در این جهان بهترین زندگی پاداش اوست و در سرای دیگر در کشور جاودانی از خوشبختی واقعی برخوردار خواهد شد. این نکته را مزدا به من آموخته است.